

## مقدمه

تجارت کشور ها را قادر می سازند تا نظریات و تکنالوژی را وارد نموده ، میزان مزیت ها و اقتصاد های مقایسوی را تحقق بخشیده ، رقابت ، ابتکار و نو آوری را ارتقاء می بخشد، که این امر به نوبه خود موثریت را بیشتر ساخته و رشد اقتصادی و میزان بیشتر اشتغال زائی متداوم را فراهم می سازد. کشور هائیکه در تجارت بین المللی سهم فعال دارند، زمینه بیشتر را برای شهروندان خویش فراهم نموده و سریع تر رشد و پیشرفت می نمایند.

**افغانستان می توانست از فرصت های تجارت بین المللی سود و منفعت به مراتب بیشتر از آنچه را کسب نماید که در حال حاضر به دست آورده است.** هدف از گزارش مطالعه دقیق تجارت بی طرفانه (DTIS) شناسایی فعالیت های مشخص پالیسی در سه عرصه ذیل می باشد: کاهش هزینه معاملات تجاری، افزایش میزان رقابت تجاری افغانستان در بازار های بین المللی، و فراهم آوری اساس و بنیاد تحلیلی برای استراتژی تجارت ملی افغانستان. مطالعه مذکور چگونگی اجرای این امر را بررسی مینماید و نه تنها اینکه روی فعالیت ها و پالیسی تجاری متمرکز می باشد ، بلکه روی سه سکتور ذیل نیز توجه دارد: زراعت ، احجار کریمه (سنگ های گرانبها یا نیمه گرانبها) ، و قالین؛ افزون بر موضوعات فوق، روحیه و زمینه سرمایه گذاری، گمرکات به مثابه یک عامل زمینه ساز برای تجارت، و افزایش خدمات زیر بنائی نیز در محراق توجه آن قرار دارد. پیشنهادات کلیدی به منظور رشد و افزایش تجارت، و نقش که تجارت می تواند آن را در امر کاهش فقر (فقر زدائی) ایفا نماید، به گونه خلاصه در ذیل ذکر ارائه شده است. ضمیمه I فعالیت های پالیسی را به گونه مشروح و مفصل توضیح نموده است.

تمام پنج فصل این گزارش تجزیه و تحلیل مفصل و جامع را در مورد موضوعات تجاری فراهم می نماید ، که هدف آن کاهش هزینه های معاملات تجاری می باشد. به گونه مشخص، فصل دوم به توانائی های رقابتی افغانستان در امر صادرات از مجرای سه مطالعه موضوع جدا گانه (زراعت ، قالین، احجار کریمه) می نگرد ، که این سه موضوع در واقع اساس و تهداب صادرات کشور را تشکیل داده ، استراتژی را برای رشد و انکشاف تجارت و نیز ارتقای صادرات ارائه می نماید.

### زمینه و فضای افغانستان برای اقتصاد بزرگ

رشد و انکشاف در افغانستان نیرومند، ولی شکنند بوده، زیرا این کشور شدیداً متکی به زراعت می باشد. این کشور در حال حاضر با پروسه انتقال مواجه می باشد: موضوعات خروج نیرو های نظامی بین المللی و کاهش در مساعدت های ملکی الی سال 2014 میلادی. پروسه انتقال دور نمای اقتصادی افغانستان را تغییر خواهد داد در حالیکه موضوعات امنیتی و بی ثباتی سیاسی کما کان چالش بزرگ فرا راه شگوفائی و پیشرفت اقتصادی بزرگ قرار خواهد داشت.

**افغانستان از جمله فقیر ترین کشور های جهان به شمار میرود.** بعد از حدوداً یک دهه رشد و انکشاف قابل ملاحظه، تولیدات نا خالص داخلی (GDP) در سال 2010 میلادی به 15.9 میلیارد دالر امریکائی (بدون محصولات تریاک) می رسید. با توجه به نفوس تخمینی 30.6 میلیون تن و تولیدات نا خالص داخلی (GDP) فی نفر حدود 528 دالر امریکایی، افغانستان از جمله ده فقیر ترین کشور های دنیا محسوب می گردد. از سال 2001 میلادی به این سو، کشور شاهد نتایج پر بار و روز افزون بوده ، که در بر گیرنده افزایش سریع اقتصادی (تو آم با نوسانات شدید)، تقریباً میزان پائین تورم پولی (بعد از تورم پولی شدید در دهه 1990 میلادی)، مدیریت مالی عامه بهتر، و رشد در عرصه های تعلیم و تربیه و صحت نیز می باشد. شاخص های کلیدی اجتماعی ، به شمول حد اوسط سن و میزان مرگ و میر مادران به گونه قابل ملاحظه و چشمگیری بهتر شده (اگر چه این رشد در پائین ترین سطح ممکن بوده است) و زنان بیشتر در فعالیت های اقتصادی اشتراک می نمایند.

افغانستان به گونه ویژه رشد اقتصادی را شاهد بوده است، که این رشد سالانه 9 فیصد می باشد. ولی این رشد به پیمانده وسیع شکننده و نا پایدار می باشد، زیرا این کشور شدیداً متکی به زراعت بوده و از جانب دیگر، تا حدود نه چندان زیاد وابسته به جریان مساعدت های خارجی بوده، که با عث تقاضا برای خدمات شده است. از آن جائیکه افغانستان در خصوص واردات تیل، مواد خام و مواد غذایی به تجارت بین المللی (بیرونی) وابسته است، تجارت در این کشور عامل عمده پیشرفت و ترقی نمی باشد. پروسه انتقال - انتقال کامل مسئولیت های امنیتی الی ختم سال 2014 میلادی، خروج نیرو های نظامی بین المللی و احتمالاً کاهش در مجموع مساعدت ها - دور نمای اقتصادی افغانستان بعد از سال 2014 میلادی را کاملاً تغییر خواهد داد. حتی با حفظ برداشت های مثبت و خوش بینانه، پروژه های بانک جهانی در جهت رشد تولیدات نا خالص داخلی (GDP) طی سال های 2013 - 2018 میلادی از حد اوسط 9 فیصد رشد سالانه به 4 - 6 فیصد کاهش خواهد یافت.

این کشور نیاز دارد، تا رشد دراز مدت اقتصادی را تامین نماید. در رابطه با رشد سریع نفوس افغانستان (در حدود 2.8 فیصد) و رشد حدود 6 فیصد در تولیدات نا خالص داخلی، پیشرفت در امر افزایش عواید سرانه افراد و کاهش فقر (فقر زدائی) محدود و بطی خواهد بود: دو برابر ساختن عواید فعلی سرانه افراد حدود 22 سال (یک نسل) را در بر می گیرد. روی این ملحوظ، عوامل فعلی رشد اقتصادی به شمول زراعت و معدن کاری به تنهایی برای فراهم آوری عواید برای تعداد روز افزون جوانان، که رو به کار می آورند (400000 الی 500000 در سال) کافی نبوده و نمی تواند قشر عظیم افراد غریب و بی بضاعت را از فقر و غربت نجات دهد.

با توجه به فشار های مالی، مقامات مکلف خواهند بود، تا با امکانات "کم" کار های "زیاد" را در عرصه رشد ابتکارات تجاری و صادراتی انجام دهند. بودجه افغانستان هم چنان شدیداً وابسته به مساعدت های جامعه جهانی خواهد بود، تا مصارف امنیتی (معاش ارگان های امنیتی و غیره مصارف) را تامین نموده و مساعدت های ملکی را برای انکشاف و نیز به منظور رسیدگی و تامین نیازمندی ها فراهم سازند. در حالیکه ریاست گمرکات در حال حاضر از جمله عمده ترین ارگان ها برای جمع آوری مالیات داخلی می باشد، چنین به نظر می رسد که اهمیت این نهاد کاهش خواهد یافت، زیرا تقاضا برای خدمات و تجارت ترانسپورتهی (حمل و نقل) بعد از قطع مساعدت های دونه ها (تمویل کنندگان) در جریان پروسه انتقال تقلیل می آید.

موضوعات امنیتی و بی ثباتی سیاسی می تواند پروسه انتقال را در افغانستان با چالش ها مواجه سازد. این چنین تهدید ها، نه تنها رشد اقتصادی را متضرر می سازد، بلکه وخامت اوضاع روی سرمایه گذاری سکتور خصوصی نیز تاثیر گزار خواهد بود. به یک مجرا (دهلیز) منابع ضرورت است، تا سرمایه گذاری سکتور خصوصی در معادن افغانستان و فعالیت های مربوط به آن را به منظور رشد بیشتر اقتصادی افزایش داده و عواید ناشی از معدن کاری را بیشتر ساخته، تا خدمات عامه را نیرو مند تر سازند. سیر نزولی نیز تجارت و توانایی های نهاد ها برای رشد و داخل شدن به بازار های بین المللی را تضعیف می نماید!

### فعالیت ها و پالیسی تجارتی

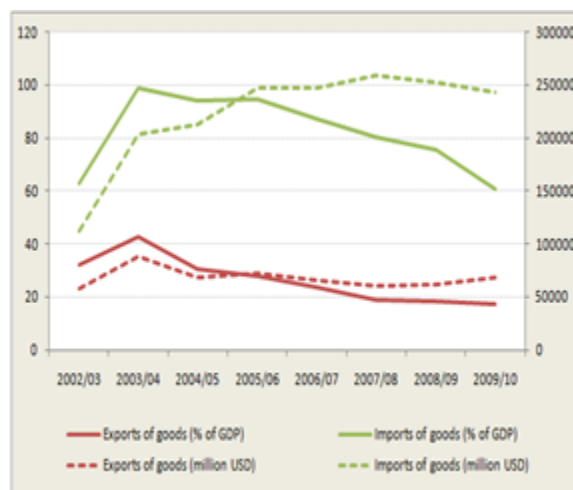
افغانستان با تهداب خیلی ها ضعیف صادراتی، در حال حاضر در وضعیت نا مساعدی نسبت به تولیدات نا خالص داخلی (GDP) قرار دارد، که صرفاً روی چند مارکیت محدود متمرکز می باشد. در حالیکه کشور شدیداً وابسته به واردات بوده کهدر واقعیت ارزش واردات سه برابر ارزش صادرات است، بعضی از اجناس را می توان با هزینه کمتر در داخل کشور نیز تولید نمود. استراتژی تجارتی افغانستان باید روی رشد و انکشاف سکتور خصوصی توجه داشته باشند، تا اجناس

<sup>1</sup> تجزیه و تحلیل صندوق جهانی پول (IMF) و بانک جهانی در ماه جون سال 2012 میلادی در رابطه به ثبات قرضه ها افغانستان نشان دهنده خطرات احتمالی ناشی از نیازمندی های مالی بسیار بلند در عرصه امنیت و انکشاف می باشد. در صورتیکه مساعدت های تمویل کنندگان جهت رسیدگی به نیازمندی های مالی کشور نا کافی باشد، امنیت تامین شده نمی تواند و اصلاحات ساختاری و بهبود داری ممکن نخواهد بود؛ میزان بلند قرضه های افغانستان بی ثبات شده و حکومت مجبور خواهد شد، تا بعضی از اقدامات مشخص مالی را روی دست گیرد.

دارای کیفیت پائین تر را تولید نموده - تا زمینه را برای سرمایه‌گذاری جالب توجه فراهم نموده و قیمت‌ها را برای تولیدات با کیفیت کاهش بخشیده و نیز میزان صادرات را از طریق راه‌یابی تولیدات به بازارهای بین‌المللی توسط نهاد‌های شایسته و موجود افغانی افزایش بخشد.

میزان تجارت شدیداً متکی به واردات منعکس‌کننده این امر است که مقدار زیاد مساعدت‌های فراهم شده صرف‌فعالیتهای بازسازی و خودکفائی می‌گردد. از آنجائیکه خلای تجارتی بیشتر گردیده، میزان بلند و رو به افزایش واردات در طی پنج سال اخیر اکثراً بنا بر تقاضای اجناس مورد ضرورت برای پروژه‌های مساعدت شده از جانب تمویل‌کنندگان مشخصاً تقاضا برای روغن، ماشین‌آلات، اجناس منزل و غذا (80 فیصد اجناس وارداتی) بوده است.<sup>2</sup> میزان ارزش واردات افغانستان در حال حاضر سه برابر بیشتر از میزان ارزش صادرات این کشور می‌باشد.<sup>3</sup> کسر در ارقام فعلی بدون مساعدت‌های بلا عوض، از 70 فیصد تولیدات ناخالص داخلی (GDP) در سال 2007 میلادی به 34 فیصد در سال 2012 میلادی کاهش یافت، که فیصدی باقیمانده مانند سایر سال‌ها از طریق مساعدت‌های بلا عوض تحت پوشش در آمد. مساعدت‌های بلا عوض ذکر شده به منظور واردات اجناس و تدارکات خدمات به مصرف رسیده و از این رو نه تنها اینکه در امر رفع کسر ارقام فوق‌الذکر به مصرف نرسیده، بلکه روی تشدید و افزونی این کسر ارقام تأثیر نیز داشته است.

شکل س. 1 : سطح و میزان صادرات و واردات



شکل س. 2 : تناسب صادرات



منبع: شاخص‌های بین‌المللی انکشاف (WDI)، محاسبات بانک جهانی

مشابه به تولید ناخالص داخلی (GDP)، افغانستان در امر صادرات با ناکامی مواجه بوده و ادامه و تداوم آن یک چالش به شمار می‌رود. با توجه به میزان عواید صادرات، نسبت بین صادرات و تولید ناخالص داخلی (GDP) - که نشان‌دهنده اهمیت صادرات اجناس و خدمات در یک اقتصاد می‌باشد - باید تقریباً 30 فیصد باشد در حالیکه این رقم برای افغانستان

<sup>2</sup> ارقام رسمی در مورد صادرات کمتر نشان داده شده و شامل تولیدات قاچاق شده و تجارت ترانزیت نمی‌گردد.

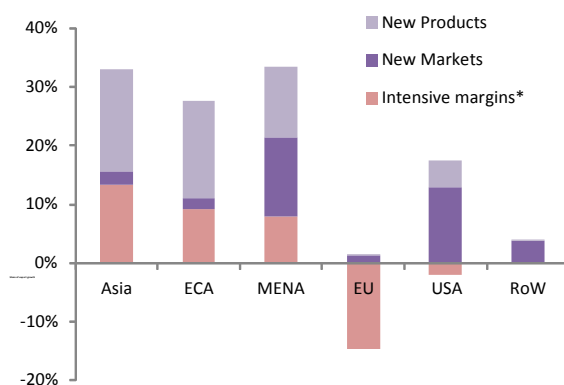
<sup>3</sup> در حالیکه تخمین میزان واردات اجناس غیر ثبت شده در آمار رسمی (بدون تریاک - به جدول 1.1 فصل 2 مراجعه شود) یک امر مشکل‌دشوار به نظر می‌رسد، سطح واردات هنوز هم چشمگیر و قابل ملاحظه بوده و طی 4 سال اخیر افزایش نموده، که تا اندازه‌ای نمایانگر کاهش فیصدی ارزش اجناس وارداتی نسبت به عواید ناخالص داخلی (GDP) می‌باشد. عوامل دیگر این امر تأثیرات پروسه انتقال، سر در گمی و ابهام در مساعدت‌های تمویل‌کننده گان و بسته شدن بعضی از پروژه‌های تمویل‌کننده گان می‌باشد، که روی میزان واردات اجناس و خدمات تأثیر گزار بوده است.

صرف 20 فیصد می باشد (شکل س . 2). در مجموع، کشور ها زمانی بیشتر به تجارت رو می آورند ، که عواید سرانه شان افزایش یابد . هر چند این افزایش در سطح خیلی پائین هم باشد ، ولی این تجربه برای افغانستان قابل تطبیق و اجراء نمی باشد<sup>4</sup>. جریان و میزان صادرات افغانستان به سایر کشور ها طی سال های 2005 الی 2009 میلادی معمولاً با چالش مواجه بوده و در این کشور ها نا پدید گردیده ، که این امر خصوصاً در کشور های اتحادیه اروپا ، که حدود 20 فیصد از رشد صادرات کشور را تشکیل می دهد، بیشتر قابل مشاهده می باشد. رشد صادرات قالدین به کشور پاکستان نیز حدود 45 فیصد کاهش یافته است.

اساس و تهداب صادرات افغانستان به گونه غیر معمول محدود بوده ، که این صادرات صرف چند تولید تجارتي می باشد که به یک تعداد بازار های تجارتي صادر می گردد. صادرات قالدین و میوه خشک تقریباً سه بر چهار بخش صادرات کشور را تشکیل می دهد. صادرات افغانستان صرف به 35 مرجع فرستاده شده و به طور اوسط در کل از طریق حدوداً 90 بازار تجارتي به سایر LDC ها صادر می گردد. با وجود آن هم، افغانستان وابستگی تجارتي به پاکستان را کاهش داده و فعالیت های تجارتي در مناطق آسیا ، آسیای میانه / افریقای شمالی (MENA) را بهبود بخشیده است. محتویات و محصولات صادراتی در طی ده سال اخیر تغییر نموده ، چنانچه دانه (تخم) و میوه جات خشک بیشترین محصولات صادراتی افغانستان را تشکیل می دهد.

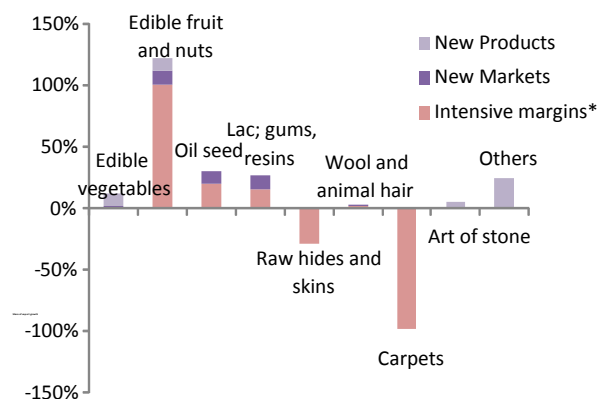
سکتور های صادراتیکه رشد نموده اند، این رشد شان اساساً به خاطر فروش محصولات جدید در آسیا و آسیای میانه / افریقای شمالی (MENA) می باشد. در طی پنج سال اخیر، صادرات افغانستان به دو منطقه فوق الذکر بیشترین سطح رشد را داشته و به تعقیب آن صادرات به اروپا و آسیای مرکزی (ECA) قرار دارد. رشد تجارت افغانستان در کشور های آسیایی ، آسیای میانه و افریقای شمالی (MENA) بنا بر ترکیب و آمیزش محصولات جدید و بازار های جدید بوده؛ در حالیکه رشد تجارتي در آسیا و اروپا و آسیای میانه (ECA) اکثراً بر اساس محصولات و تولیدات جدید بوده ، که به کشور های دارای روابط تجارتي فرستاده می شود و صادرات محصولات عنعنوی (سنتی) را بیشتر می سازد (میزان صادرات را بیشتر و گسترده تر می سازد).

شکل س . 3: میزان صادرات به اساس منطقه در سال های 2005 الی 2009 میلادی



<sup>4</sup> شکل 1. 4 این ارتباط را از طریق یک طرح پراکنده و در مقایسه با حد اوسط نسبت بین صادرات و تولیدات نا خالص داخلی (GDP) ، آمار و ارقام رسمی تولیدات نا خالص داخلی سرانه در کشور های متعدد منطقه طی سال های 2006 الی 2008 میلادی نشان میدهد. خط شکسته نشان دهنده میانگین (حد اوسط) عواید می باشد. منحنی در این شکل کمترین سیر صعودی در نسبت بین تجارت و تولیدات نا خالص داخلی (GDP) را در تولیدات نا خالص داخلی (GDP) سرانه و همچنان در روند ارزش آن نشان می دهد.

شکل س . 4: میزان صادرات به اساس محصولات در سال های 2005 الی 2009 میلادی



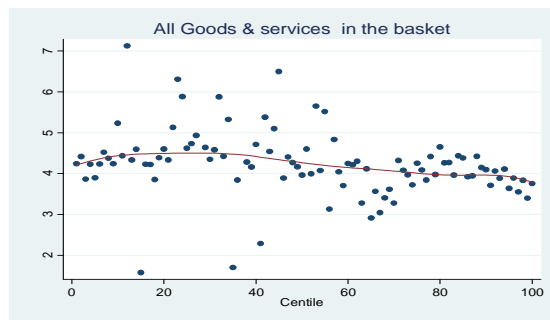
منبع: بانک جهانی مقیم در اداره احصائیه مرکزی (CSO). \* یاد داشت: "گسترش میزان صادرات" مربوط به سطح تجارت فعلی می باشد.

در مجموع پالیسی تجارتي افغانستان موثر و باعث رشد تجارتي می گردد، ولی تجارت می تواند نقش بزرگ تر را در امر انکشاف و رشد اقتصادی ایفا نماید.

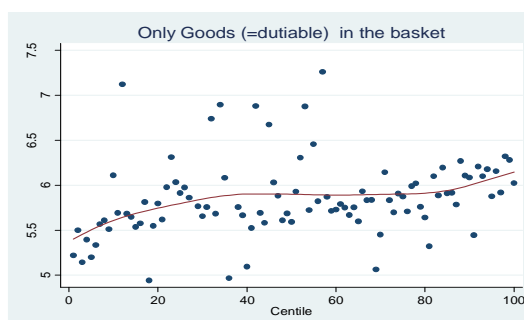
واردات به مثابه یک عامل تولید تاثیر مستقیم روی تولیدات داخلی و فعالیت های صادراتی دارد. روی این ملحوظ، سکتور خصوصی و انکشاف صادرات در افغانستان نیاز مند فراهم آوری دسترسی به محصولات با کیفیت و دارای قیمت کم در سراسر سکتور بوده و دارای قدرت و پوتانسیل برای تعویض محصولات وارداتی با تولیدات داخلی دارای قیمت کم تر می باشد.

افغانستان در زمره کشور های است که باز ترین اقتصاد را در منطقه دارا بوده و ساختار تعرفه های آن زیر خط اوسط در میان LDC ها قرار دارد. بالای محصولات اندکی تجارتي محصولات بالاتر از 15 فیصد وضع می گردد. ساختار تعرفه های افغانستان اندکی پیشرفته شده و به اساس اطلاعات مصارف خانوار برای مجموعه اجناس اساسی از سال 2008 میلادی (ارزیابی خطرات احتمالی آسیب پذیری ملی - NRVA)<sup>5</sup>، گروه های ثروت مند خواهان پرداخت بیشتر مالیات برای اموال وارداتی شان می باشند. به طور اخص، خانواده های ثروت مند در افغانستان میزان بلند از خدمات را مصرف می کنند؛ از این جهت، حین شامل ساختن خدمات در مجموعه اجناس، موثریت آن نه تنها سیر صعودی نداشته، بلکه در سقوط می باشد (شکل س. 5).

یا سیر تقریباً نزولی ...



شکل س. 5: سیر صعودی ساختار تعرفه ...



<sup>5</sup> به اساس محاسبات بانک جهانی با استفاده از اطلاعات خانوار به دست آمده از ارزیابی ملی خطرات احتمالی و آسیب پذیری سال 2008 میلادی

ساختار تعرفه افغانستان وابسته و منوط به معافیت های قابل توجه می باشد. این چنین معافیت ها در مجموع نمایانگر از دست دادن تقریباً یک بر سه حصه مالیات و سایر انواع خراج می باشد. معافیت های فوق الذکر اکثراً مربوط به اجناس وارداتی نیرو های امنیتی آیساف و ناتو، کشور های همکار در بخش انکشاف، اجناس و خدمات دولتی و پروژه های تحت تمویل دونه ها می باشد. پروسه اعطای امتیاز معافیت از پرداخت مالیات زمینه را برای اجاره گیری فراهم می سازد و فابریکات که اجناس را به اساس معافیت از مالیات وارد می کنند، از یک نوع امتیاز بر خور دار می باشند. از این جهت، در حالیکه بعضاً امتیاز اعطا شده در مورد معافیت از مالیات امکان تغییر و اصلاح را ندارد، زیرا به اساس توافق دو جانبه با نیرو های آیساف و کشور های تمویل کننده صورت گرفته، بررسی و ارزیابی دقیق لست معافیت از مالیات می تواند در امر شناسایی راه ها جهت گسترش و تقویت اساس تعرفه ممد و موثر واقع گردد.

**مفهوم معیار های "کیفیت" در چار چوب حقوقی افغانستان به گونه درست تعریف نگردیده و معمولاً با موضوع مصونیت و محافظت صحی اشتباه گرفته می شود.** با وجود آن هم، قانون SPS و همچنان قانون TBT این دو موضوع را به گونه واضح مشخص نموده است. افغانستان در نظر دارد، تا طرح قانون مصونیت غذائی را ترتیب نموده و تصدیق نامه / اعلامیه تولید کننده در مورد تولیدات غذائی دارای خطرات احتمالی (ریسک) کمتر در نظر گرفته خواهد شد. افزون بر این، کشور قصد دارد تا طی سال های آینده به تلاش های خود تسریع و شدت بخشیده، تا کیفیت معیاری و طرز العمل های خویش را در مطابقت با معیار های جهانی (Codex Alimentarius، IPPC، OIE، و ISO) هماهنگ سازد. در ماه مارچ سال 2011 میلادی اداره ملی نورم و استاندارد افغانستان (ANSA) پلان استراتژی یک را به منظور ایجاد یک زیر بنای ملی و با کیفیت در افغانستان ترتیب نمود تا فعالیت ها را در پروسه اوزان و مقادیر، اعتبار دهی و معیاری سازی هماهنگ نماید.

#### فرصت ها و پیشنهادات

- **ایجاد یک پلان ارتقای ظرفیت برای ارزیابی پالیسی تجارتی در ساختار وزارت تجارت و صنایع (MOCI):** این موضوع می تواند در بر گیرنده ظرفیت سازی در عرصه تجزیه و تحلیل شاخص ها و نظارت از نتایج پالیسی ها و سرمایه گذاری ها در گفتگو های تجارتی، شیوه های ارزیابی موثریت، و نمونه گیری اقتصادی از تاثیرات پالیسی تجارتی باشد.
- **ایجاد یک دیتابیس (مخزن معلومات) تجارتی جهت اجرای تجزیه و تحلیل پالیسی:** دیتابیس (مخزن معلومات) فوق الذکر باید معلومات تجارتی به دست آمده از نهاد های مختلف، مانند اداره مرکزی احصائیه (CSO) و ریاست عواید افغانستان (ARD) و هم چنان سروی های تمویل شده از جانب تمویل کننده گان را توحید نماید، تا وزارت تجارت و صنایع (MOCI) را قادر بسازد که تصامیم مبتنی بر پالیسی اتخاذ نماید. ارتقای ظرفیت در وزارت تجارت و صنایع (MOCI) در راستای حفظ و نگهداری دیتابیس مذکور مهم و با ارزش می باشد، چنانچه این امر واحد های تخنیکی در داخل ساختار وزارت تجارت و صنایع (MOCI) را قادر می سازد تا اطلاعات مختلف تجارتی را به منظور مدیریت مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.
- **اجرای بررسی اقلام و اجناس شامل معافیت مالیاتی به هدف توسعه و گسترش اساس تعرفه مالیاتی:** این امر باعث کاهش ضایع شدن عواید بیشتر شده، که تخمین زده می شود که این ضایع شدن یک بر سوم حصه عواید وارداتی را تشکیل می دهد. با آن هم، مجموعه مصرف حد اقل مواد غذائی باید از پرداخت مالیات معاف باشند، تا به افراد غریب و بی بضاعت رسیدگی صورت گیرد.

#### رشد و انکشاف سکتور خصوصی

یک فضای مناسب و خوب برای سرمایه گذاری مشوق فعالیت های تجارت خصوصی بوده و نهاد های افغان را تشویق می کنند، تا برنامه های سرمایه گذاری میان مدت را در نظر گرفته، که این امر خود باعث ایجاد زمینه های کاری می گردد.

**پالیسی ملی تجاری، به شمول بخش "واردات" آن باید فضای را ایجاد کند که در آن سکتور خصوصی افغانستان رشد و انکشاف نماید.** در این زمینه مقرر از اهمیت خاص بر خوردار است؛ این مقرر باید شفاف، قابل دسترس، و قابل تطبیق باشد، تا بتواند زمینه رشد، شغل زائی، و فقر زدائی را فراهم نماید. یک ارزیابی بانک جهانی در مورد فضای تجاری در افغانستان در سال 2011 میلادی اصلاحات در 9 بخش از 10 شاخص "گزارش اجرای تجارت"<sup>6</sup> را پیشنهاد نمود. مطالعه دقیق تجارت بی طرفانه (DTIS) مذکور توجه خاص را روی زیر مجموعهء شاخصه های فوق الذکر مبذول داشته، تا تلاشی باشد برای افزایش رشد سکتور خصوصی و عواید صادراتی از طریق: (i) آغاز یک تجارت، (ii) مصنونیت و حفاظت سرمایه گذاران، (iii) اجرای قرار داد ها. فصل 2 مقرر مذکور توضیحات در رابطه به تمام زیر مجموعه ها فراهم می سازد در حالیکه ضمیمه 3 متریکس پالیسی در مورد تمامی 9 عرصه مورد اصلاحات را به گونه کامل مورد بحث قرار می دهد.<sup>7</sup> در عین زمان، فصل IV بخش های زیر بنائی را مورد ارزیابی قرار می دهد، که مستقیماً روی فضای سرمایه گذاری تأثیر گذار بوده، که شامل دسترسی به جاده ها، استفاده از وسایل ارتباطی و انرژی برق می باشد.

### فرصت ها و پیشنهادات

#### شروع یا آغاز تجارت

- **کوتاه مدت:** به پروسه تمدید جواز سرمایه گذاری باید تسریع بخشیده شود؛ هزینه تمدید جواز کاهش داده شود؛ و مدت اعتبار جواز بیشتر گردد. اداره حمایت از سرمایه گذاری در افغانستان (آیسا) به عوض وضع مصارف تمدید جواز به اساس وسعت نهاد یا سکتور، می تواند هزینه اداری کمتر و غیر پیچیده را برای تمدید جواز وضع نماید.

- **میان مدت:** روابط میان وزارت تجارت و صنایع (MoIC) و اداره حمایت از سرمایه گذاری در افغانستان (AISA) باید تجدید گردد، تا زمینه را برای سرمایه گذاران فراهم سازد، که آنان به منظور امورات مربوط به ثبت و اخذ جواز فقط به یک اداره سر و کار داشته باشند. دولت باید همیشه تلاش نماید تا در مجموع فقط یک اداره را مسئول اخذ هر نوع معلومات، ثبت، صدور جواز، و دریافت مصارف از جانب سرمایه گذاران تعیین کند.

#### مصنونیت سرمایه گذار

- **کوتاه مدت:** هر دو قانون – قانون شرکت های سهامی و قانون شرکت های سهامی و لمیتد – باید مورد تعدیل قرار گرفته شود، تا نیاز مندی های اشاعه و مصنونیت سرمایه گذاران را به گونه بیشتر و کامل تر در مطابقت با فعالیت های پسندیده معیاری بین المللی قرار دهد. همچنان نسخه تعدیل شده قانون تفتیش مستقل معاملات طرفین نیدخل را قبل از اجرای این معاملات الزامی سازد. تائید سهام داران در مورد معاملات بزرگ مربوطه نیز باید یک امر الزامی و حتمی پنداشته شود. ماده 50 قانون شرکت های سهامی و لمیتد، که در مورد موضوع تنازع منافع در معاملات بحث می کند، باید تعدیل گردیده، تا نیاز برای اشاعه عامه را در گزارشات سالانه در قضایای معاملات طرفین نیدخل بیشتر سازد. نسخه فعلی قانون شرکت های سهامی و لمیتد صرف موجودیت موافقت هیئت مدیره شرکت را در معاملات بزرگ (معاملات دارای مبلغ بیشتر از 5 فیصد سرمایه شرکت) الزامی می داند. به منظور مصنونیت بیشتر سهام داران کوچک، چنین معاملات تجاری باید در جلسات سهام داران مورد توافق و تائید قرار گیرند.

<sup>6</sup> این بخش به اساس "توافق نامه اصلاحی رشد و بهبود سهولت در فعالیت های تجاری در افغانستان"، بانک جهانی – IFC در ماه فبروری سال 2012 میلادی می باشد.

<sup>7</sup> پیشنهادات مذکور به اساس فعالیت های مناسب رقابتی در مورد تنظیم فضا و زمینه سرمایه گذاری بوده و منعکس کننده مباحث و گفتگو ها میان گروه بانک جهانی، نهاد های دولتی و دستا ندر کاران در خلال یک ماموریت گروه بانک به کابل (به تاریخ 16 الی 23 سپتامبر سال 2011 میلادی) می باشد.

- **میان مدت:** به منظور فراهم آوری تسهیلات جهت مسئولیت حقوق سرمایه گذاران از طریق محاکم، گروه های ذی‌علاقه باید حق دسترسی به اسناد غیر محرم مورد نیاز شان را بدون ارائه درخواست و یا معرفی اسناد مورد ضرورت داشته باشند. طرفین ادعا در محکمه باید حق سوال کردن (به گونه شفاهی یا کتبی) از طرف مقابل یا شهود را در جریان محاکمه بدون از قبل در اختیار قرار دادن سوالات به قاضی داشته باشند. به منظور فراهم آوری تسهیلات برای دسترسی به مدارک در جریان محاکمه، وکلای مدافع سهام داران اقلیت باید حق مطرح کردن سوالات از مدعی علیه و شهود را به گونه مستقیم داشته باشند.

### اجرای قرار داد ها

- **میان مدت:** تلاش برای ایجاد میکانیزم متناوب جهت حل و فصل منازعات رویدست گرفته شود، تا کیفیت فیصله های تجارتي را بهبود بخشد. گزینه های میانجیگری در مجموع راه حل سریع و کم هزینه بوده و زمینه آن را بیشتر مساعد می سازد، تا طرفین فعالیت های تجارتي خویش را با یک دیگر دوباره از سر گیرند.

### رشد صادرات

صادرات از افغانستان هزینه بر و پر مصرف می باشد؛ تجارت پیشنهاد می کند که موانع مشخصاً فرا راه بخش تامينات قرار گیرد.

تجارت صادرات افغانستان بسیار هزینه بر و پر مصرف بوده زیرا این صادرات قویاً وابسته به واردات مواد خام برای تولید بوده و ممکن با عث تاوان در تولیدات از طریق تاخیر در وقت، انتقال، و فعالیت های انباری گردد. تمام این موضوعات دست به دست هم داده و منجر به افزایش مصارف می گردند. شواهد و مدارک نشان می دهند که افغانستان در حال حاضر فرصت های ممکنه صادراتی را بنا بر دلایل آتی از دست میدهد: (i) هزینه های بیشتر و بلند تر از طریق اقتصاد کوچک و تا اندازهء موضوعات مربوط به اقتصاد بزرگ؛ (ii) ارزش کمتر؛ (iii) فشار های ساختاری.

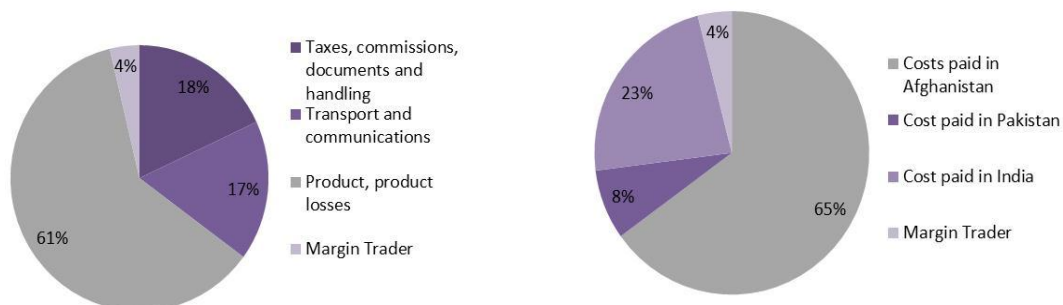
**خطرات احتمالی و چالش های امنیتی عامل اساسی – مستقیم یا غیر مستقیم – برای مصارف تجار محسوب می گردد.** یگانه بزرگ ترین مانع فرا راه رشد تجارت و سکتور خصوصی همانا فشار های غیر مستقیم بازار ها ناشی از منازعات می باشد.

در مجموع، عوامل اقتصاد بزرگ الزاماً مانع اساسی رشد صادرات نبوده، ولی بدون شک در امر مصارف و هزینه های صادراتی نقش بارزی را ایفا می نماید. این واقعیت که پالیسی تنظیم پولی در کشور نوسانات اسعار را به گونه قابل ملاحظه و چشمگیری کاهش داده است، یکی از دست آورد های بانک جهانی محسوب می گردد. پول افغانی نسبت به سایر کشور های جنوب آسیا از ارزش نسبتاً بهتر بر خوردار بوده و روی همین ملحوظ صادرات افغانستان در مقایسه با سایر کشور ها هزینه بر تر و پر مصرف می باشند. واردات در توازن تجارت قویاً بیشتر بوده و در این راستا میزان بلند مساعدت ها در عرصه های باز سازی و انکشاف نقش مهم را ایفا نموده است. در عین زمان، هزینه برای کار های غیر مسلکی نیز در افغانستان نسبت به معیار های سایر کشور ها بیشتر بوده و عواید برای سرمایه گذاری خصوصی مناسب نمی باشد.

**مصارف بلند صادرات از افغانستان به این معنی است که تجار باید به مقاد بسیار اندک و محدود بسنده باشند.** از این جهت، کاهش در هزینه و مصارف یگانه راه می باشد که می توان ارزش و تعداد تولیدات تولید شده را افزایش بخشید، تعداد بازار ها را رشد داد و نیز شمار صادر کننده گان را ارتقاء دهند. به گونه مثال، با صادر کردن انار افغانستان به کشور هندوستان (شکل س. 6)، یک تاجر افغان فقط 3.7 فیصد منفعت به دست می آورد، البته بعد از پرداخت بیش از 61 فیصد قیمت برای مصارف تولید و خسارات مواد، و بیشتر از 18 فیصد پرداخت مالیات و کمیشن ها، و 17 فیصد مصارف ترانسپورت و حمل و نقل، حتی قبل از این که میوه از افغانستان خارج شده باشد. در مقایسه با افغانستان، مصارف صادرات در هندوستان 23 فیصد و پاکستان صرف 8 فیصد می باشد.



شکل 6: مصارف و حدود صادرات: یک مثال از صادرات میوه انار به کشور هندوستان



منبع: لیز هوت، ماه جون سال 2011 میلادی

صادرات افغانستان دارای ارزش روز افزون کمتر می باشد. در مورد بعضی از کالاها یا تولیدات، افغانستان دارای اراده خوب در بازار تجاری بوده و مشتریان نیز مایل هستند، تا برای کالای دارای کیفیت بلند پول بیشتر بپردازند - به گونه مثال: این موضوع در باره قالبین افغانستان صدق می کند. با آن هم، بیشترین کالا های صادراتی افغانستان اجناس تولیدی بوده و روی این ملحوظ در برابر کاهش قیمت های اجناس آسیب پذیر می باشند.

غیر رسمی بودن در سکتور خصوصی یکی از موانع فرا راه رشد و انکشاف دراز مدت بوده، چرا که تجارت های غیر رسمی مایل به توسعه و گسترش وسعت تجارت و نیز سرمایه گذاری روی تکنالوژی نبوده و از همین جهت در بازار های تجاری با مشکلات زیادی مواجه می شوند. اقتصاد غیر رسمی در بر گیرنده حدود 80 الی 90 فیصد مجموع اقتصاد (به شمول مواد مخدر) را می باشد. رسیدگی به پرا فگنی ها و فرصت های کوتاه مدت انعطاف پذیر می باشد، ولی این امر منوط و وابسته به اوضاع می باشد. اگر چه غیر رسمی بودن تجارت یک منبع در آمد را برای افغانان فقیر و بی بضاعت فراهم می سازد، ولی این امر عنعنات را کنار می گذارد، از پرداخت مالیات فرار می نماید، و چالش های امنیتی و صحتی را نیز به بار می آورد، زیرا تجارت غیر رسمی انتقال غیر مسلکی و قابل کنترل اجناس و کالاها را در قبال دارد. در این وضعیت مبارزه با چنین عملکرد و فعالیت غیر رسمی دارای میزان خطرات احتمالی بلند برای افغانستان یک چالش و خیلی مشکل می باشد.

سرمایه گذاری خصوصی به دلیل عدم حاکمیت قانون در کشور یک چالش می باشد. در کشور عدم مصئونیت قرار دادها موجود بوده، یک چار چوب ضعیف حقوقی حکم فرما می باشد، که به گونه غیر جانبدارانه تطبیق می گردد، سیستم عدالت رسمی بسیار ضعیف وجود دارد و یا هم هیچ وجود ندارد، محاکم تجاری غیر فعال بوده، و سیستم بیمهء تجاری در کشور به گونه درست و عینی فعالیت ندارند.

اداره ارتقای صادرات افغانستان (EPAA) در سال 2006 میلادی ایجاد گردید، تا صادرات کالای افغانستان را در بازار های خارج افزایش بخشد، ولی نهاد مذکور بعد از تغییرات در ترتیبات ساختاری به رکود مواجه گردید. ایجاد اداره ارتقای صادرات افغانستان (EPAA) یک گام درست به شمار می رفت و در سال 2008 میلادی این اداره توانیست یک جایزه را نیز به دست بیاورد. هدف از ایجاد این نهاد فراهم آوری مساعدت برای صادر کننده گان در عرصهء بازار یابی، بازار های بیرونی و مقررات بود، تا در راستای بهبود و گسترش روابط با وارد کننده گان خارجی ممد واقع شده و همچنان این اداره به عنوان یگانه نهاد برای طی مراحل اسناد مربوط به صادرات محسوب گردد. با وجود آن، اداره ارتقای صادرات افغانستان (EPAA) استقلالیت خود را زمانی از دست داد که تحت نام ریاست ارتقای صادرات در چوکات وزارت تجارت و صنایع (MoCI) در آمد. از آن زمان تا اکنون اداره مذکور خدمات اساسی خود را فراهم نمی کند؛ نقش و مسیر این نهاد به گونه واضح تعریف نشده؛ و تعریف وظایف هر سه ریاست به گونه مبهم می باشد.

از آن جایکه اداره ارتقای صادرات افغانستان (EPAA) نقش و مسؤولیت جدید به خود گرفته، به نظر می رسد که این نهاد از فعالیت ها جهت رشد و انکشاف خدمات صادرات داخلی حمایت می کند. این فعالیت ها را می توان از طریق تطبیق پروسه "صادرات مرحله به مرحله" ، که در سال 2007 میلادی توسط اداره ارتقای صادرات افغانستان (EPAA) طرح گردیده بود، ارتقاء بخشید. طرح یک برنامه مناسب مساعدت بلا عوض به اساس تجارب کشور تونس می تواند در امر ارتقا و گسترش صادرات بسیار موثر واقع گردد (به جدول 1.5 ، صندوق وجهی دسترسی بازار صادرات تونس (EMAF)، فصل دوم مراجعه گردد). صندوق وجهی دسترسی بازار صادرات تونس (EMAF) توانست مساعدت های بلا عوض متناسب را به گونه موفقانه استفاده نماید ، تا در امر تصدی های خدمات سکتوری موثر واقع گردیده و شبکه مشوره دهی محلی در مورد صادرات را ایجاد نموده ، تا به شرکت ها کمک نماید که در بازار های خارجی موفق به در آیند.

افغانستان از قبل به سطح بین المللی در سکتور های تجارت محصولات زراعتی و قالین وارد رقابت شده، که در این عرصه زنجیره ارزش را می تواند افزایش بخشد. زراعت و تجارت محصولات زراعتی در صورتی دارای توانایی و پوتانسیل بزرگ می باشد که توجه مناسب به افزایش ارزش، ارتقای ظرفیت انبار ها و بهبود بسته های تجارتي میزول گردد. در سکتور قالین نیز توانایی (زمینه رشد و انکشاف) از طریق تاسیس فابریکه قطع و شستشوی قالین موجود بوده و هم چنان در سکتور احجار کریمه (سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی) توانایی (زمینه رشد و انکشاف) از مجرای خدمات قطع و پالش کاری وجود دارد. سکتور مرمر می تواند یکی از عوامل انکشاف تصدی کوچک - متوسط (SME) گردیده و هم چنان سکتور ساختمانی به ویژه بخش تعمیرات نیز قابل اعتماد بوده ، چرا که اکثر آخشت ها و وسایل ساده ساختمانی ، که در حال حاضر از خارج وارد می گردد، در داخل کشور با مصارف کمتر قابل تولید می باشد. طرح استراتیژی ملی صادرات باید روی تقویت سکتور های مشابهی که در فوق ذکر شد، توجه داشته باشد ، زیرا در این سکتور ها پوتانسیل و توانایی (زمینه رشد) موجود می باشد.

#### فرصت ها و پیشنهادات

- نقش و فعالیت های جدید اداره ارتقای صادرات افغانستان (EPAA) باید مشخص شود. در صورتیکه این ریاست کوچک ترین تاثیری روی ارتقای صادرات در افغانستان داشته باشد، باید یک ماموریت داشته و فقط محدود به یک مرکز معلوماتی نباشد. این اداره می تواند نقش بیشتری در ارتقای صادرات، خدمات حمایتی، مساعدت های تخنیکی، ارتقای ظرفیت و بازار یابی ایفا نماید.
- راه های جستجو گردد ، تا برنامه مساعدت بلا عوض مناسب برای ارتقای صادرات با توجه به موفقیت های تجارب کشور تونس ایجاد گردد. برنامه سب سایدی فوق الذکر باید به هدف و در مطابقت با اهداف تنوع صادرات و انکشاف صادرات برای تصدی های کوچک - متوسط (SME) باشد.
- استراتیژی ملی صادرات به عنوان یگانه سند جهت حمایت از پالیسی ملی تجارت طرح و ترتیب گردد. استراتیژی فوق الذکر باید سکتور های کلیدی را شناسائی نماید ، که افغانستان در آن عرصه ها منافع قابل توجه داشته و همچنان ایجاد شغل نماید ، تا در جریان پروسه انتقال وظایف بیشتر را به میان آورد. این استراتیژی با ذکر مراحل واضح و مشخص جهت افزایش توانایی های رقابتی نهاد های افغانی مشخصاً تصدی های کوچک - متوسط (SME) بیشتر تقویت شده و این تصدی های را کمک نماید ، تا محدودیت ها را از گسیخته و در بازار های بین المللی به فعالیت های خویش ادامه دهند.

## اصلاحات در گمرکات تسهیلات تجارتي را تقویت خواهد کرد

از اثر اصلاحات مداوم در گمرکات، طرز العمل های گمرکی از نو تنظیم گردیده، تسهیلات سرحدی بهتر شده است و روند ترخیص گمرکی تسریع قابل ملاحظه یافته است. زمانیکه ریاست گمرکات، که اینک در آن اصلاحات آورده شده است، سیستم اسیکودا (Asycuda) و طرز العمل های جدید گمرکی بطور کامل فعال گرداند، این امر سبب کاهش بیشتر هزینه های گمرکی شده و تسهیلات و تضمینات تجارتي را بهبود خواهد بخشید.

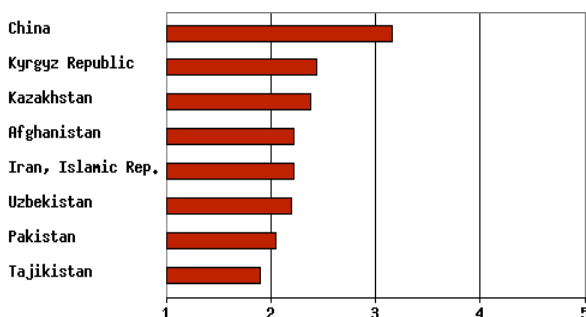
مدرنیزه ساختن گمرکات و مدیریت سرحدات احتمالاً بیشترین تاثیر را روی کاهش هزینه های تجارتي در افغانستان خواهد داشت، زیرا مدرن ساختن گمرکات سبب تسهیل و یکپارچگی امور تجارتي خواهد شد. کارایی گمرکات طی سالهای اخیر بطور چشمگیری افزایش یافته است؛ شاخص های متعددی نشان میدهد که پیشرفت های واقعی در تسهیلات و انتقالات کالاهای تجارتي در سطح افغانستان صورت گرفته است. اما باوجود این، در دراز مدت افغانستان نیاز دارد، تا نهاد های مدیریت سرحدات خویش را تقویت بخشد، پالیسی مقرراتی ترانسپورتي را تغییر دهد و روی زیربناهای مربوط به تجارت سرمایه گذاری کند.

اصلاحات عمده گمرکی رویدست گرفته شده و تطبیق گردیده است. این اصلاحات شامل موارد آتی میشود: (1) معرفی برنامه تعرفه ملی افغانستان، که کالاهای تجارتي را مطابق معیار های بین المللی طبقه بندی می کند؛ (2) طرز العمل های کنترل و نظارت بر معافیت های مالیاتی؛ (3) راه اندازی سیستم خودکار برای اطلاعات گمرکی (ASYCUDA)؛ (4) ارتقای ظرفیت و آموزش مسئولین گمرکات؛ (5) انکشاف زیربناهای مراکز عمده گمرکی؛ و (6) ایجاد واحد های ارزیابی گمرکی منطوقی و کنترل بعد از ترخیص گمرکی در مراکز عمده ولایتی. در نتیجه این اصلاحات، عواید گمرکی طی هشت سال گذشته 16 برابر افزایش یافته است؛ این افزایش عواید گمرکی افزایش 7 برابری واردات را تحت شعاع قرار داده و 36 فیصد عواید گمرکی داخلی جمع اوری شده طی سال مالی 2012 را تشکیل میدهد.

اصلاحات گمرکات بطور قابل ملاحظه ای شاخص های تجارتي و امور لوژیستیک برای افغانستان را بهتر ساخته است. نظر به گزارش شاخص عملکرد و فعالیت لوژیستیکی (LPI، شکل S.1 و S.2)، بانک جهانی، گمرکات افغانستان در حال حاضر بطور کلی نسبت به همتایان خود در کشور های ازبکستان، ایران، تاجیکستان، و حتی مصر بهتر عمل می کند.

### جدول S.1: شاخص عملکرد لوژیستیک

افغانستان		
2.24	نمره	LPI کلی
143	رتبه	
2.22	نمره	گمرکات
104	رتبه	
1.87	نمره	زیربناهای
139	رتبه	
2.24	نمره	انتقالات بین المللی
141	رتبه	
2.09	نمره	توانایی لوژیستیکی
141	رتبه	
2.37	نمره	پیگیری و ردیابی
128	رتبه	
2.61	نمره	معیاد های زمانی
146	رتبه	



### جدول S.2: رتبه گمرکات نظر به شاخص عملکرد لوژیستیکی (LPI)

منبع: بانک جهانی، LPI 2012

قابلیت کاری اداره گمرک بطور چشمگیری افزایش یافته است. یکی از شاخص های کارایی اداره گمرک عبارت از حد اوسط تعداد اظهارنامه های گمرکی طی مراحل شده توسط فی نفر مسئول گمرک در یک سال می باشد. در سال 2004، این عدد 300 اظهارنامه فی نفر بود و الی نیمه اول سال 2010 این رقم به 500 اظهارنامه فی نفر افزایش یافته بود. حد اوسط هزینه اقتصادی برای هر اظهارنامه گمرکی بطور مداوم کاهش یافته است، این هزینه از 6.87 دالر در سال 2005 به 4.98 دالر در سال 2009 کاهش یافته است.<sup>8</sup> به همین ترتیب، تفاوت بین هزینه مجموعی گمرکات و عواید مجموعی جمع اوری شده از 0.98 فیصد در سال 2005 به 0.42 فیصد در سال 2009 کاهش یافته است. در هر دو مورد، این ارقام در همخوانی با ارقام در بقیه کشور های جهان قرار دارد (در سطح بین الملل، نسبت هزینه/عواید گمرکات بین 0.5 و 2.0 فیصد قرار دارد و حد اوسط هزینه اقتصادی برای هر اظهارنامه گمرکی معمولاً به مراتب بیشتر از 10 دالر امریکائی می باشد).<sup>9</sup>

در سال 2011، سیستم **Asycuda** در 95 فیصد مراکز گمرکی تطبیق گردیده بود (و 90 فیصد ارزش تجارت خارجی طی مراحل شده بود). پوشش تدریجی سراسر کشور بسیاری از خلا ها را ، که وارد کننده گان با استفاده از آن از کنترل گمرکات فرار می کردند، مرفوع ساخته است ، که این امر بخشی از پیشرفت کار در جمع اوری گمرکات را توضیح میدهد.

ولی اصلاحات باید توحید شود و هنوز فرصتهایی برای بهتر ساختن اداره گمرکات وجود دارد. اصلاحات را میتوان در سه گروپ طبقه بندی کرد: (1) **طرز العمل های بهتر گمرکی**، تا مدل ترخیص گمرکی برای افغانستان در طرح اصلاحات آینده تعریف گردد، اظهارنامه های گمرکی فعلی سازگار گردند، رعایت مقررات از جانب تاجران بهبود یابد و میزان تفتیش فزیکتی افزایش یابد؛ (2) **تشکیل و مدیریت بهتر منابع بشری**، جهت تقویت نظارت و بهتر بلند بردن روحیه کارمندان؛ و (3) **هماهنگی بهتر در داخل اداره**، جهت کاهش اختلال در کار به علت تداخل صلاحیت های وظیفوی. بسیاری از اصلاحات لازم برای بلند بردن ظرفیت ریاست گمرکات افغانستان به سطح قابل مقایسه با سایر کشور ها، خارج از کنترل ریاست گمرکات میباشد.

#### فرصت ها و پیشنهادات

- **طرز العمل های گمرکی باید شفاف، ساده و کم زحمت تر بوده و همراستا با طرز العمل های جهانی باشد.** در افغانستان طرز العمل های متعدد ترخیص گمرکی در سراسر کشور وجود دارند ، که این طرز العمل ها هیچ همخوانی با طرز العمل های داخلی، منطقوی ویا جهانی ندارد. اگرچه با کمپیوتری سازی طرز العمل ها این مشکل را به آهستگی در حال حل کردن است، اما لازم است، تا تلاش های هماهنگ به منظور مرور، بازنگری و تفتیش این طرز العمل ها رویدست گرفته شود. یک ارزیابی مشابه ارزیابی GATT باید در سطح مراکز گمرکی صورت گیرد، تا "مسیر عمده" اصلاحات شناسائی و مشخص گردد. نقش کارمندان ترخیص گمرکی - و مسئولیت های آنها - باید به شکل بهتری تعریف و معرفی گردد.

- **تعریف مدل ترخیص گمرکی برای افغانستان بالای دیزاین اداره گمرکات این کشور تاثیر خواهد داشت.**
- **هنر و عمل اصلاحاتی و مودرنیزه سازی باید در امر مبارزه علیه فساد اداری موثر واقع گردد.** بررسی مسائل حکومتداری، منجمله مداخله ارگانها و نهاد های بیرونی در ساحاتی که تحت حیطة صلاحیت گمرک قرار دارد، و یک پالیسی روشن تشکیلاتی و استخدام کارمندان در امر تقویت نهاد کمک خواهد کرد، در

<sup>8</sup> این هزینه براساس نسبت بین مجموع هزینه عملیاتی ریاست گمرکات افغانستان و تعداد مجموعی اظهارنامه های گمرکی طی مراحل شده سنجش میشود ، که محصول اداره گمرک قلمداد می شود.

<sup>9</sup> در سطح منطقه، آخرین ارقام موجود هزینه/عواید گمرکی را در جمهوری قیرغیزستان 1.78، در قزاقستان 3.95، در پاکستان 1.14 و در ایران 1.77 نشان میدهد. هزینه اقتصادی برای اظهارنامه های گمرکی در این کشور ها بین 163 دالر امریکایی در قزاقستان تا 18.10 دالر امریکایی در پاکستان قرار دارد.

حالی که تدابیر مبارزه علیه فساد اداری نیز اتخاذ می‌گردد. بطور کلی، برنامه های مبارزه علیه فساد اداره در زیر چتر اصلاحات گمرکی، به شمول برنامه های که در افغانستان تطبیق میشود، باید اساساً روی چهار نوع تدابیر تمرکز نمایند: (1) **کمپیوتری کردن**، جهت از بین بردن تقابل مستقیم بین مسئولین گمرک و کسانیکه حامل ثروت ملموسی هستند و برجای ماندن ردی برای تفتیش؛ (2) **پالیسی کارمندان**، از سلوک رفتار گرفته تا معاشات و مشوق های پولی، که بیانگر ظرفیت تفتیش نیز می باشد؛ (3) **ظرفیت چند لایه ی تحقیق** باید واحد های تخصصی مبارزه علیه مواد مخدر گمرکات، مفتیشین و محققین خارجی را دخیل سازد؛ و (4) **مشارکت سکتور خصوصی**، همراه با اسناد تقنینی کافی به منظور بازداشتن فعالیت های آلوده به فساد و رشوه ستانی. در حال حاضر، کمک های تخنیک و مشاورت های پالیسی در این ساحات برای حکومت افغانستان و ریاست گمرکات فراهم میگردد.

- **ریاست گمرکات افغانستان و ادارات گمرکی کشور های همسایه باید هماهنگی بهتری باهم داشته باشند.** این فقدان تبادل اطلاعات بین سرحدات ابعاد روشن مالی، اجتماعی و تسهیلات تجارتي دارد. از مجموع واردات تجارتي، در سال 2008 که بالغ به 7.87 میلیارد دالر تخمین می شود، تخمیناً 7.71 میلیارد دالر آن از طریق مسیر های زمینی از کشور های همسایه وارد افغانستان گردیده است. ریاست گمرکات افغانستان باید از این مزیت بهره برده و نحوه مدیریت و کنترل خویش را بهبود بخشد، و باید تشریک مساعی خود با ادارات گمرکی کشور های همسایه را هرچه بهتر تقویت نماید. این امر باید از طریق یک استراتژی [مدیریت سرحدی] CBM میسر گردد.

### خدمات زیربنایی

یکی از موانع عمده در بخش تأمین مواد و انکشاف سکتور خصوصی در افغانستان تأمین زیربناها و خدمات زیربنایی میباشد. با توجه به خلای بزرگ زیربنایی، سرمایه گذاری در سه سکتور آبی بیشترین تاثیر را روی ایجاد خدمات تجارتي خواهد داشت: (1) برق، (2) مخابرات (ICT) و (3) جاده ها (ترانسپورت).

خدمات ناکافی زیربنایی نه تنها روی هزینه های تولید و زمان انتقال اموال تجارتي تاثیرات منفی دارد، بلکه توانایی رقابت نمودن شرکت های افغانی را نیز متاثر می سازند.<sup>10</sup> بنابراین، سرمایه گذاری روی زیربناها کشور، به شکل پایدار، که حفظ و مراقبت دوره ی آن در میان مدت را نیز شامل شود، میتواند تفاوت چشمگیری در هزینه های تجارتي بوجود آورد.

### نیروی برق

دسترسی به نیروی برق پایدار نه تنها تاثیر مستقیمی بالای توسعه تجارت و قابلیت تولید دارد، بلکه تاثیر بسیاری زیادی روی کاهش فقر نیز دارد.

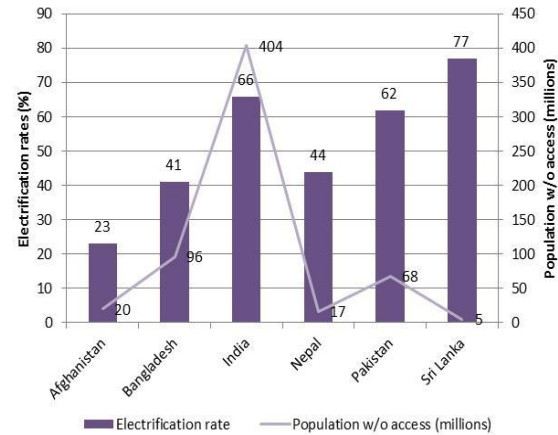
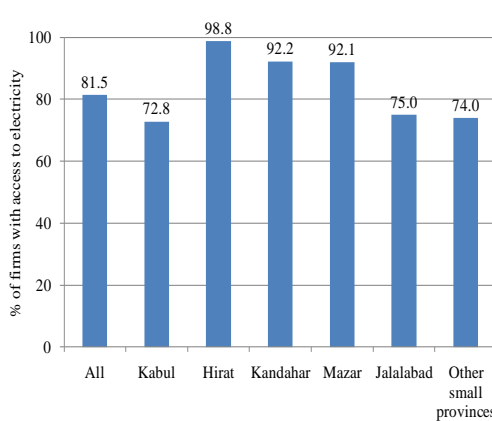
سرمایه گذاری در بخش تولید برق با بلند بردن ظرفیت تولید و کالاهای با ارزش افزوده، و افزایش ساعات تولید فراتر از تعداد ساعات در روز، منتج به کاهش فقر می شود. تأمین انرژی برق دسترسی مردم محل به مخابرات را نیز بهبود بخشیده و با فعال ساختن دستگاه های سرد کننده (تجهیزات تخصصی) به خدمات صحی مفید واقع میشود. انرژی برق از طریق برطرف کردن وظایف جمع اوری نفت و آب از دوش زنان، تساوای جنسیتی (جندر) را نیز در محلات تقویت می کند. تأمین خدمات با کیفیت برق رسانی ایجاب درک بهتر چالش ها و فرصت های بالقوه در مسائل زیربنایی نیروی برق در افغانستان، از قبیل تولید برق، انتقال و توزیع آن را میکند.

<sup>10</sup> Venables و Limão (2011) نشان میدهد که اگر زیربناهای کشوری طوری انکشاف یابد که آن کشور از رتبه متوسط در بین 64 کشور به رتبه بالاتر در بین 25 فیصد آن کشور ها ارتقا یابد، این امر هزینه های ترانسپورتی در آن کشور را به مقدار معادل 481 کیلومتر مسافرت زمینی و 3989 کیلومتر مسافرت دریایی کاهش خواهد داد.

دسترسی ناکافی به برق یکی از موانع عمده فرا راه تجارت های کوچک و خانوارها بوده و نیز یکی از عوامل اصلی هزینه های تولید می باشد. در سال 2009، میزان دسترسی به برق در افغانستان فقط 23 فیصد در سطح کشور و 10 فیصد در ساحات روستائی تخمین می شد (شکل S.7). حدود 20 میلیون شهروند افغان، اکثراً در ساحات روستائی، هنوز هم به انرژی برق پایدار دسترسی ندارند. در سروی عملکرد تشیئات و محیط تجارتي (BEEP) در سال 2009 تخمین شد که قطع برق بیشتر از 10 فیصد فروشات سالانه شرکت ها را از بین می برد. حدود 70 فیصد شرکت های افغانی دارای جنراتور های خصوصی خویش می باشند، تا در حالات قطع برق از آن به عنوان نیروی پشتیبان استفاده کنند، که این مسئله هزینه و مصرف تولید را افزایش میدهد. حدود 20 فیصد شرکت های سروی شده هیچ نوع دسترسی به برق نداشتند و 20 فیصد شرکت ها از برق ضعیف به عنوان جدی ترین مانع تجارت خود نام بردند (شکل S.8).

ظرفیت تولید داخلی انرژی برق در افغانستان پائین تر از میزان تقاضای بالقوه در این کشور میباشد، که این امر نشانهنده لزوم تجدید شبکه انتقال و توزیع برق میباشد. گمان میرود که افغانستان حدود 30 الی 40 فیصد انرژی تولید شده ویا وارداتی خویش را به دلایل تخنیکي و غیرتخنیکي از دست میدهد. آخرین برنامه سرمایه گذاری در سکتور انرژی سرمایه گذاری و هزینه های جاری به ارزش مجموعی 1720 میلیون دالر بین سالهای 2004 و 2010 ویا 250 میلیون دالر بطور سالانه را پیش بینی کرد. نیم این مبلغ باید روی تولید انرژی به مصرف می رسید؛ و نیم دیگر آن بطور مساویانه روی انتقال و توزیع انرژی باید مصرف می شد.

شکل S.7: دسترسی به برق، آسیای جنوبی 2010      شکل S.8: دسترسی به برق، شرکت های تجارتي افغانستان



منبع: BEEP، افغانستان، 2009

منبع: IEA 2010، و محاسبات کارمندان بانک جهانی

نهاد تامین کننده انرژی برق، د افغانستان برشنا شرکت فاقد امکانات کافی مالی جهت فعال نگهداشتن و حفظ و مراقبت زیربنای انرژی کشور و پاسخگویی به تقاضای فعلی می باشد. در افغانستان، تنها به 70 فیصد انرژی بل داده میشود و تنها 60 فیصد بل های توزیع شده جمع اوری میشود.<sup>11</sup> به نظر میرسد که جمع اوری تعرفه از مصرف کننده گان نهائی پائین تر از حدی است که بتواند تمام هزینه های تامین برق را جبران کند. بنابراین، سرمایه گذاری به منظور احیای مجدد دارایی های زیربنائی آسیب دیده کشور قویاً وابسته به کمک های بین المللی می باشد. ظرفیت شبکه طی 10 ساله گذشته

<sup>11</sup> گزارش ADB شماره 42094

بیشتر از دو برابر شده است که تنها هزینه های حفظ و مراقبت د افغانستان برشنا شرکت را بین 0.05 و 0.2 فیصد تولیدات ناخالص داخلی قرار داده است.

راه های بدیل جهت افزایش تامین خدمات برق وجود دارند. در مقیاس بزرگ، تجارت انرژی برق در سطح منطقه – شریک سازی تولید و شبکه های انرژی با کشور های همسایه – یک ابزار لازم برای افغانستان جهت توسعه و تقویت پوشش ملی انرژی خویش و همچنان ثبات مالی د افغانستان برشنا شرکت می باشد. علاوه برآن، اجتماعات محلی میتوانند نقش مهمی در گسترش انرژی برق در روستاها ایفا کنند، زیرا دولت تلاش دارد تا ایجاد شبکه های کوچک برق آبی (MHP) را تقویت کند. در ساحات روستائی افغانستان، خانوار های فقیر در تولید انرژی معمولاً متکی به چوب سوخت، بته ها، سرگین حیوانات، نفت چراغ و جنراتوری های دیزلی خصوصی میباشند.

### فرصت ها و پیشنهادات

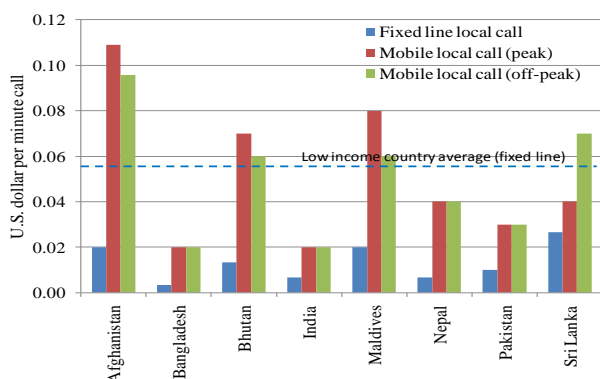
- ادامه ارتقای ظرفیت تولید داخلی برق. این امر ایجاب کمک های تخنیکی و حمایت در تطبیق ظرفیت تازه ایجاد شده را میکند.
- تقویت تجارت منطقی برق. تجارت منطقی برق به افغانستان فرصت های خوبی رامهیا میکند ، تا انرژی برق را به نرخ ارزان خریداری نماید. در صورتیکه معاملات تجارتي بین کشور های همسایه افغانستان صورت گیرد، این کشور میتواند پول ترانزیت برق از خاک خود را بدست آورد. این مسئله ایجاب میکند که اتصالات فیزیکی داخلی تکمیل و تجدید گردد. در سطح نهاد ها، افغانستان باید با کشور های همسایه همکاری های سالمی بوجود بیاورد ، تا خطرات امنیتی برق، بی ثباتی نرخ و عدم اطمینان در تجارت برق در سطح بین الملل را مدیریت کند.

### تکنالوژی معلوماتی و مخابرات

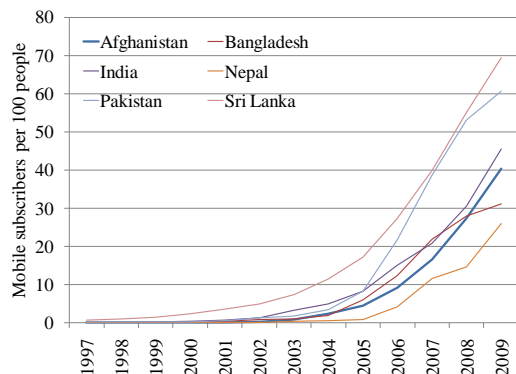
دسترسی به مخابرات هزینه های عملیاتی تجارت بین الملل را کاهش داده و میزان دسترسی کشور به بقیه نقاط جهان را افزایش می دهد؛ این موضوع طی تحقیقات تجربی نیز ثابت شده است<sup>12</sup>. خدمات تجارتي بین سرحدات بطور قابل ملاحظه ای متکی به مخابرات به عنوان ابزاری برای معاملات تجارتي می باشد.

شکل 10.S: حد اوسط تعرفه تیلی کام (مخابرات)

شکل 9.S: حجم استفاده از موبایل



<sup>12</sup> جنسن و ناردس (Jansen and Nordas) 2004 ارتباط قوی و مثبتی بین تراکم تیلیفون های سیم دار و موبایل و تجارتي در ارتباط به تولیدات ناخالص ملی یافتند ، که در آن عکس العمل تامین مواد به کاهش تعرفه ها بزرگتر از میزان نفوذ بالای مخابرات می باشد. در همین راستا، تحقیق روی تاثیرات انترنت بالای تجارت خدمات در ایالات متحده امریکا نشان داد ، که نفوذ انترنتی شرکای تجارتي تاثیرات زیادی بالای واردات خدمات تجارتي، مسلکی و تخنیکی امریکا داشته است. در امریکا و بسیاری از کشور های عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) انترنت ارزان ترین و معمول ترین وسیله تبادل اطلاعات و خدمات می باشد. بنابراین، نفوذ بیشتر انترنت و دسترسی به خدمات مخابراتی مستقیماً روی توسعه تجارت تاثیر گزار می باشد.



مارکیت خدمات مخابراتی موبایل طی سالهای اخیر بطور برق آسا رشد کرده است و در قسمت بهره برداری از تکنالوژی موبایل در ایجاد زیربنای فایبرنوری در سطح ملی، که بسیاری از ولایات و کشور های همسایه را با هم متصل می سازند، پیشرفت چشمگیری صورت گرفته است. این امر به افغانستان فرصت میدهد، تا به پیشرفته ترین تکنالوژی در سکتور مخابرات به زودی مجهز گردد. در حالیکه مخابرات با خطوط ثابت هنوز در سطح پائینی در کشور قرار دارد، حجم استفاده از موبایل بطور دراماتیک از صفر در سال 2002 به حدود 40 فیصد در سال 2009 افزایش یافته است. الی سال 2011، دو سوم نفوس افغانستان از خدمات تیلیفون موبایل استفاده می کردند<sup>13</sup>، و دو سوم خانوار هایکه از طرف بنیاد آسیا (آسیا فونڈیشن) سروی گردیدند بیان داشتند که حد اقل مالک یک دستگاه تیلیفون موبایل هستند<sup>14</sup>. این رقم با ارقام در سایر کشور های کم در آمد بخوبی قابل مقایسه می باشد (S.9).

سکتور تکنالوژی معلوماتی باید انکشاف و توسعه داده شود، ولی یکی از بزرگترین موانع قیمت آن میباشد. در مقایسه با سایر کشور های منطقه، کاربران خدمات تیلیفون موبایل در افغانستان بیشتر هزینه را می پردازند (S.10). از هر 100 نفر در افغانستان، تنها سه نفر از انترنت استفاده می کند و میزان استفاده از انترنت با ظرفیت بالا در خارج از شهر های بزرگ، واقعاً صفر می باشد. به منظور توسعه پوشش خدمات تکنالوژی معلوماتی در افغانستان، وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی را که بر این سکتور نظارت دارد و استراتیژی انکشاف ملی در این بخش را تهیه میکند، باید در بخش صدور جواز به شرکت های مخابراتی اصلاحات آورده و رقابت بازار را بهتر سازد. این وزارت باید ترتیبات اتصالات داخلی رقابتی و شفاف ایجاد نموده و یک برنامه شفاف اتصالات داخلی مبتنی بر هزینه را ایجاد کند و از حل و فصل منازعات بطور مستقلا نه و به موقع اطمینان حاصل نماید. علاوه از این وزارت، دولت در کل میتواند با پائین آوردن میزان مالیات بر شرکت های مخابراتی و تطبیق پالیسی "دسترسی آزادانه" به شبکه ملی فایبر نوری مشوق هایی در این زمینه ارائه نماید.

#### فرصت ها و پیشنهادات

نرخ های نازل تر مخابرات و تکنالوژی معلوماتی (ICT). به منظور تسهیل روند نازل تر ساختن نرخ مخابرات و تکنالوژی معلوماتی، لازم است تا فشار رقابت در مارکیت حفظ گردد. بدین منظور، دولت باید روی دو مسئله تمرکز نماید: (1) ایجاد فضای رقابتی بیشتر از طریق اصلاحات و توحید سازی برنامه اعطای جواز فعالیت، و (2) پالیسی "دسترسی آزادانه".

<sup>13</sup> <http://mcit.gov.af/en>

<sup>14</sup> <http://asiafoundation.org/publications/force-download.php?f=%2Fresources%2Fpdfs%2FTAFA2011AGSurvey.pdf>



- آوردن اصلاحات در بخش صدور جواز فعالیت به منظور ایجاد رقابت بیشتر. صدور جواز های جدید باید تفاوت های قبلی بین شرایط جواز های GSM را مرفع ساخته و اجازه معرفی خدمات بی سیم با ظرفیت بالا را بدهد، تا رقابت افزایش یابد. دولت باید موضوع توحید سازی جواز ها را مد نظر گیرد، تا آنرا از لحاظ تکنالوژی و خدمات بی طرف سازد.
- موضوع تطبیق پالیسی "دسترسی آزادانه" به شبکه اصلی ملی، صرف نظر از مالکیت، مد نظر گرفته شود. دسترسی آزادانه به شبکه اصلی ملی بخاطر نرخ های شفاف و منصفانه در انکشاف آینده این سکتور امر لازمی می باشد. این پالیسی ظرفیت را برای فراهم کننده گان رقابتی خدمات مخابراتی بشکل عاری از هر نوع تبعیض و با نرخ های شفاف و مبتنی بر هزینه مهیا کرده و در دست یابی به اهداف انکشافی ملی کمک خواهد کرد. انکشاف مارکیت انترنت در افغانستان ایجاب قیمت مناسب در مارکیت عمده را می کند، تا زمینه رقابت و رشد آن در بازار خرده تقویت گردد. بنابراین، شبکه اصلی ملی (NBN) از وجوه عامه زیر ساخت است تا منافع ملی را تامین کند.

## جاده ها

سرمایه گذاری روی جاده ها در پائین آوردن هزینه ترانسپورت زمینی و زمان حمل و نقل مفید واقع خواهد شد، ولی این سرمایه گذاری باید به شکلی صورت گیرد که مسئولیت های پایدار حفظ و مراقبت باشد.

تجارت افغانستان به عنوان کشوری که محاط به خشکه است وابسته به شبکه زیربنایی جاده های آن می باشد. دسترسی به جاده های با کیفیت باعث رشد اقتصادی به طرق متعدد خواهد گردید. جاده های خوب به شرکت ها کمک خواهد کرد، تا هزینه های ترانسپورتی و معاملاتی خویش را کاهش داده و هزینه های تهیه فهرست کالا ها و توزیع آن را کاهش دهند. بنابراین، داشتن زیربنای خوب جاده ها باعث جلب سرمایه گذاری های مستقیم خارجی همراه با احتمال افزایش صادرات خواهد شد.<sup>15</sup>

شبکه جاده 42150 کیلومتری افغانستان جداً نیاز به احیای مجدد دارد. انتظار می رود که الی سال 2014، به طول 7000 کیلومتر جاده بیشتر به این شبکه افزوده شود. ولی باوجود این، افغانستان با داشتن 6 کیلومتر جاده در هر 100 کیلومتر مربع ساحه هنوز هم در پائین ترین سطح در منطقه قرار دارد. تنها 30 فیصد تمام جاده ها قیر شده است. اما، سرمایه گذاری به ارزش 4 میلیارد دالر طی ده سال گذشته شبکه جاده های افغانستان را بطور قابل ملاحظه ای بهتر ساخته است، به خصوص جاده حلقوی ملی که کابل، قندهار، هرات و مزار شریف را باهم وصل میکند. زمان مسافرت بین کابل و قندهار از 19 ساعت به 5 ساعت و بین کابل و هرات از 44 ساعت به 12 ساعت کاهش یافته است. سریع الرشد ترین عامل تولیدات ناخالص داخلی افغانستان بین سالهای 3003 و 2009 خدمات بود، که در صدر آن، خدمات ترانسپورتی، مخابرات و نگهداری اموال و سپس خدمات ساختمانی، خدمات حکومتداری و تولید قرار دارند.

با توجه به موجودیت منابع محدود و ظرفیت تطبیقی ضعیف در سطح روستاها، انکشاف جاده های روستائی احتمالاً به عنوان یک چالش باقی خواهد ماند. بازسازی و یا احیای مجدد تنها 10 فیصد شبکه موجود جاده های بیشتر از 394 میلیون دالر هزینه خواهد برد. دولت نیاز دارد، تا پروژه های جاده سازی را اولویت بندی نموده و یک مکانیزم تمویلی پایدار به مقصد حفظ و مراقبت دوره ی جاده ها ایجاد نماید.

## فرصت ها و پیشنهادات

- اولویت بندی جاده ها: با توجه به منابع محدود موجود برای ساخت جاده ها، اولویت بندی پروژه های جاده سازی مهم می باشد.

<sup>15</sup> Cieřlik and Ryan, 2004; Boudier-Bensebaa, 2005; Qureshi, 2008; World Bank, 2009b

• **تمویل کافی و حفظ و مراقبت دوره ای جاده ها.** حفظ شبکه فعلی جاده ها از طریق حفظ و مراقبت های جاری و دوره ای بهترین استراتژی برای اجتناب از سرمایه گذاری های پرهزینه برای احیای مجدد جاده ها می باشد. در دراز مدت، دولت باید مکانیزم پایداری برای تمویل امور حفظ و مراقبت جاده ایجاد نماید و سرمایه گذاری های جدید در چارچوب همین مصارف صورت گیرد، تا فشار مالی بی مورد بالای بودجه حفظ و مراقبت، که هم اکنون نیز بسیار بالا است، وارد نگردد.

### **چرا همکاری های منطقی برای افغانستان مهم می باشد**

همکاری های منطقی برای کشوری که محاط به خشکه است، امر ضروری می باشد. افغانستان از دسترسی بهتر به مارکیت ها، کاهش خطرات مالی، سیاسی و امنیت ناشی از سرمایه گذاری هایی به مقیاس بزرگ سود خواهد برد. افغانستان تا اکنون گامهای مهمی در راستای همکاری های بهتر منطقی با اتخاذ برنامه های امتیازی هم در سمت شمال شرق و هم جنوب-جنوب برداشته است.

**موافقتنامه ترانزیت تجارتي افغانستان- پاکستان (APTTA) که در ماه جون 2011 نافذ گردید، دسترسی بیشتر به بنادر بحری را تأمین می کند.** مطابق برنامه "همه چیز مگر اسلحه"، افغانستان واجد شرایط دسترسی توأم با معافیت گمرکی و معافیت سهمیه بندی کالاهاى تجارتي خویش در بازار های اروپائی می باشد. ایالات متحده امریکا مطابق برنامه تعمیم یافته امتیازی (Generalized Scheme of Preferences – GSP) خویش، به 5000 از تولیدات افغانستان حق دسترسی بدون مالیات گمرکی به مارکیت های خویش را اعطا کرده است. اگرچه کالاهاى تجارتي افغانستان با میزان بلند تر تعرفه در امریکا نسبت به اتحادیه اروپا مواجه می شوند، ولی این تعرفه نسبت به تعرفه که بالای سایر کشور ها (LDC) تطبیق میشود، بطور چشمگیری پائین تر می باشد.

**افغانستان از تصویب موافقتنامه ساحه تجارتي آزاد آسیای جنوبی (SAFTA) سود خواهد برد.** برنامه ابزار شبیه سازی تاثیرات تعرفه (TRIST) بانک جهانی<sup>16</sup> نشان میدهد که تصویب موافقتنامه (SAFTA) به اساس صادرات افغانستان در میان مدت با هزینه های نسبتاً کم از ناحیه عواید از دست رفته و افزایش روز افزون واردات – به علت توزیع فعلی واردات افغانستان، ساختار تعرفه و مفاد موافقتنامه سود بخش خواهد بود<sup>17</sup>. اگر بعضی واردات غیر رسمی فعلی تابع طرز العمل های گمرکی افغانستان گردند، این امر حتی ممکن است سبب افزایش عواید مالی گردد، زیرا مصارف و مالیات گمرکی کمی که در موافقتنامه پیش بینی شده است احتمالاً هزینه ها را در مقایسه با خطرات احتمالی تجارت غیر رسمی کاهش دهد. ولی، این موافقتنامه صادرات افغانستان را بطور قابل ملاحظه ای از طریق تأمین دسترسی امتیازی به سایر کشور های (SAFTA) تقویت خواهد کرد. این مسئله به خصوص برای معاملات تجارتي در آینده با پاکستان و هند، که بازار های نسبتاً محفوظی (هر دو با حد اوسط تعرفه بالاتر از 12 فیصد) هستند، حائز اهمیت می باشد.

**تقویت سرمایه گذاری ها در سکتور معادن در سالهای آینده روزه ای از فرصت ها را بروی افغانستان خواهد گشود.** موفقیت در استخراج منابع قویاً بستگی به این خواهد داشت که تولیدات را با چه موثریتی به بازار میتوان انتقال داد؛ به عنوان کشور محاط به خشکه، برنامه دهلیزهای منابع افغانستان دارای بعد مهم همکاری های منطقی بوده و انتخاب دهلیز

<sup>16</sup> ابزار TRIST بانک جهانی عبارت از یک مدل نسبی تعادلی است، که کمیت تاثیرات سناریو های اصلاحات تجارتي روی واردات، عواید و تولیدات را تعیین میکند. این ابزار جریان های واقعی تجارتي و تعرفه های تطبیق شده به عوض تعرفه های قانونی (مکلفیت های قانونی) و جریان های تجارتي جمع آوری شده از دیتابیس های بین المللی را بکار می گیرد. این مسئله از آن لحاظ حائز اهمیت است که، در مورد افغانستان، واردات معاف شده از گمرکات حدود 45 فیصد عواید تعرفه را تشکیل میدهند، در حالیکه سایر مالیات بر واردات (و محصولات گمرکی) تقریباً 50 فیصد عواید مالی از واردات را تشکیل میدهد. (جهت معلومات بیشتر در مورد ابزار شبیه سازی TRIST به فصل پنجم مراجعه شود).

<sup>17</sup> این شبیه سازی مبتنی بر ارقام اداره گمرکات از سال مالی 1389 (2010) بوده و شامل معاملات در سطح تعرفه برای 87657 آمار قابل استفاده، بر اساس فهرست سیستم هماهنگ شده 2007 می باشد. (جهت معلومات بیشتر در مورد کیفیت داده ها به ضمیمه III مراجعه شود)

لوژیستیکی افغانستان تأثیرات اقتصادی و سیاسی در سطح منطقه خواهد داشت. به منظور اطمینان از استخراج موفقانه و پایدار منابع، برنامه دهلیز های منابع باید سکتور های متعدد را شامل شده و موضوعات انکشاف زیربنایی، تأثیرات محیطی و اجتماعی و تقویه و مشارکت سکتور خصوصی را به درستی مد نظر بیگیرد. هدف از دهلیز رشد منابع بهره برداری از منابع بالقوه و در عین زمان اجتناب از وابستگی منابع می باشد. این بیانگر ترکیبی از تلاش ها جهت جای دادن سرمایه گذاری بزرگ صنعت استخراجی و نیازمندی های آن به زیربناهای مواد و خدمات در رشد و تنوع پایدار اقتصادی می باشد.

برنامه دهلیز های منابع ملی و منطقوی (NRRCP) دولت روی انکشاف آنعده زیربناهای مهمی که برای بهره برداری از پوتانسیل و توانایی کامل سکتور معادن لازمی میباشد، تمرکز دارد. ولی، در حال حاضر اهداف برنامه دهلیز های منابع ملی و منطقوی اساساً لست بلند پروازانه ای از پروژه های زیربنایی فزیکتی در بخش سرک سازی، خطوط راه آهن و هوانوردی می باشد. این اهداف باید با زیربناهای "نرم" - به خصوص انکشاف محلی، مدیریت و استملاک زمین، کاهش تأثیرات محیطی پروژه ها، انکشاف تشبثات، و ارتقای ظرفیت مکمل گردد. اگر به این زیربناهای "نرم" همزمان با (ویا قبل از) زیربناهای فزیکتی توجه صورت نگیرد، پوتانسیل کامل سرمایه گذاری ها نمی تواند تحقق یابد.

افغانستان در حال حاضر، از طریق پروسه کسب عضویت خویش در سازمان تجارت جهانی، از بازنگری قوانین و مقررات موجود خویش جهت مطابقت آنها با معیار های بین المللی و شرایط سازمان تجارت جهانی سود می برد. این کشور موقف ناظر در سازمان تجارت جهانی را در دسمبر 2004 بدست آورده و فعلاً در جریان پروسه کسب عضویت کامل این سازمان قرار دارد. گروپ کاری برای کسب عضویت در سازمان تجارت جهانی عمدتاً روی موضوعاتی چون 2 فیصد ثابت مالیات بر واردات، پروسه صدور جواز واردات، قواعد منشأ و قوانین گمرکات و مصنونیت غذایی تمرکز نموده است.